مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۲۱- ۱

بررسی رابطه سه جانبه وضعیت مالی، اقلام تعهدی و کیفیت راهبری شرکت

محمد جباری جم[۱]

[۱]کارشناس ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:
محمد جباری جم

چکیده

جدایی مالکیت از مدیریت منجر به یک مشکل سازمانی مشهور به نام مشکل نمایندگی شده است. مشکل نمایندگی، ضرورت کنترل مدیریت شرکت ها توسط سهامداران را نشان می دهد. عامل دستکاری در سود، روش عادی و معمولی در بین شرکت هاست که از مشکلات نمایندگی و تحلیل محدودیت های پروژه توسط سرمایه گذاران بر مشکلات نمایندگی بیفزاید.از این رو، هدف تحقیق بررسی رابطه بین وضعیت مالی شرکت و کیفیت راهبری شرکت با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی است. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۶۱ شرکت فعال در سازمان بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا انتهای سال ۱۳۹۳ است. در مرحله جمع آوری و طبقه بندی و پردازش اولیه داده ها از نرم افزار Excel استفاده شده است. پس از انجام طبقه بندی های مناسب بر روی داده ها و انجام محاسبات و پردازش اولیه، اطلاعات خروجی با استفاده از نرم افزار Eviews ۷ برای اجرای مدل و آزمون فرضیات مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان داد که بین اقلام تعهدی اختیاری با سلامت مالی شرکت و بین طبقه بندی مالی شرکت ها با کیفیت راهبری شرکت و بین کیفیت راهبری شرکت با سلامت مالی رابطه معناداری وجود دارد و لذا باید در جهت کاهش مشکل نمایندگی مدیران کنترل بیشتری را در شرکت ها اعمال نمود.

کلید واژه: کیفیت راهبری شرکت، اقلام تعهدی، سلامت مالی

مقدمه

با گسترش روزافزون بازارهای مالی جهان از قرن بیستم، مسائلی همچون مدیریت و هموارسازی سود و نظام راهبری شرکتی در دنیای حسابداری، مدیریت، اقتصاد و دیگر علوم با حساسیت ویژه ای مدنظر قرار گرفته، و هر یک از صاحب نظران و محققین از زاویه علوم خود به بررسی و تفسیر نتایج حاصل از یافته هایشان پرداخته اند. با توجه به اینکه مدیریت سود و نظام راهبری شرکتی، هر یک به طور جداگانه می توانند صورت های مالی شرکت ها را تحت تأثیر قرار دهند و از طرف دیگر استفاده کنندگان از صورت های مالی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از این صورت های مالی هستند، ترجیح می دهند از اطلاعات صورت های مالی استفاده نمایند که توسط حسابرسان مستقل مورد رسیدگی قرار گرفته ونسبت به مطلوبیت آنها اظهارنظر کرده اند. رابطه ی بین سلامت مالی شرکت و اقلام تعهدی اختیاری یک مشکل نمایندگی را در بازارهای اعتباری با شرکت هایی که دچار اضطرار مالی هستند آشکار می نماید. نیاز به توجه بیشتری به شرکت هایی که شرایط مالی آن ها نامعین است وجود دارد. هم چنین، استدلال شده است که یافته های مهم در مورد اهمیت برای کیفیت سود و آثار علمی مرتبط با راهبری شرکتی با استناد به نقش راهبری شرکتی در اقلام تعهدی اختیاری و وضعیت مالی وجود دارد. جریان نقدی حاصل از عملکردها، به عنوان مقیاسی از عملکرد، کمتراز رقم درآمد خالص در معرض تحریف است. علت این امر آن است که سیستم اقلام تعهدی، که رقم درآمد را تولید می کند، بر اقلام تعهدی، تاخیرها، تخصیص ها و ارزش گذاری ها تکیه می کند، که همگی در مقایسه با آن چه به تعیین CFOوارد می شود، شامل درجات بالاتری از ذهنیت می باشند]۲۳[.

این پژوهش به شیوه های مختلف به آثار علمی مرتبط با حسابداری و مالی کمک می کند. اول از همه ما به رابطه ی بین سلامت مالی شرکت و اقلام تعهدی اختیاری آن ها استناد می کنیم. این نتیجه به این دلیل مهم است که وجود مشکلات نمایندگی در بازارهای اعتباری را نشان می دهد البته اگر صورت حساب های مالی نشان دهند که شرکت از لحاظ مالی مضطرب است. دوم آن که ما به اهمیت مبذول داشتن توجه بیشتر به شرکت هایی اشاره می کنیم که شرایط مالی شان نامعین است زیرا به نظر می رسد که آن ها بیشتر مستعد دستکاری های اقلام تعهدی باشند. در نهایت ما از طریق استناد بر نقش راهبری شرکتی بر روی وضعیت مالی، به یافته های معنادار اهمیت برای کیفیت سودها و آثار علمی راهبری شرکتی اشاره می نماییم. سوال اصلی در این پژوهش آن است که راهبری شرکتی کِی و چگونه بر تصمیمات مدیران مبنی بر استفاده از اقلام تعهدی اختیاری تاثیر می گذارد و به صورت مصنوعی گزارشات مالی شرکت را تحت تاثیر قرار می دهد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

راهبری شرکتی

به طور کلی راهبری شرکتی بیان می دارد که چگونه شرکت ها اداره، هدایت و کنترل می شوند. بدین معنا که باید معیارهایی را برای کنترل و هدایت مدیریت تعیین نمود]۵[. کیفیت نظام راهبری شرکتی امری نسبی بوده و از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است. کیفیت نظام راهبری شرکتی فرض می شود که در تمام مراحل ایجاد ارزش در شرکت وجود داشته باشد.

مدیریت سود

برخی از تعاریف مدیریت سودبر جنبه فرصت طلبانه بودن مدیریت سود و برخی دیگر بر جنبه آگاهی دهندگی آن تاکید دارند. البته فرصت طلبانه بودن مدیریت سود در ادبیات تحقیق از مقبولیت بیشتری برخوردار است. آرتور لویت[1]، رئیس پیشین کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا، مدیریت سود را این گونه تعریف میکند: مدیریت سود عملی است که موجب می شود، سود گزارش شده بیشتر منعکس کننده خواسته های مدیریت باشد تا عملکرد مالی بنیادی شرکت. مدیریت سود معمولاً به تلاش مدیریت شرکت در دستکاری مدیریت سود اشاره دارد.به طور کلی مدیریت سود منفی تلقی می شود. زیرا ممکن است از فرصت طلبی های مدیریتی نشات بگیرد. مدیران از اختیاراتشان در مدیریت سود برای بدست آوردن منافع شخصی استفاده می کنند. از دیدگاه اسکات (۲۰۰۰) نیز مدیریت سود اختیار شرکت در انتخاب روش ها و رویه های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر است. این تعاریف بر جنبه فرصت طلبانه مدیریت سود تمرکز دارند؛ یعنی، مدیریت با انگیزه های سودجویانه اقدام به مدیریت سود می کند. مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران در گزارشگری مالی و در سازماندهی معاملات از قضاوت استفاده کرده وگزارشات مالی را تغییر دهند به گونه ای که برخی از ذینفعان نسبت به عملکرد شرکت گمراه شوند یا نتیجه قراردادهایی را تحت تاثیر قرار دهند که به اعداد حسابداری وابسته هستند. مدیران به دلایلی مانند بهتر نشان دادن وضعیت مالی با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، سود را مدیریت می کنند. بطور کلی از نظر سرمایه گذاران تنها مبلغ بالای سود، مهم نیست و مهمتر از آن کیفیت سود یعنی تکرار پذیری آن در سنوات مختلف است.

فلسفه مدیریت سود ، بهرهگیری از انعطافپذیری روشهای استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری میباشد. البته تفسیرهای گوناگونی که میتوان از روشهای اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد ، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود میباشد. این انعطافپذیری دلیل اصلی تنوع موجود درروشهای حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطافپذیر است، یکپارچگی دادهها ارائه شده در صورتهای مالی کمتر میشود. اصول تطابق و محافظهکاری نیز میتواند باعث مدیریت سود شود، شرکت ها باید، سود سه ماهه نخست سال مالی خود را بدون اضافه نمودن به موجودی نقد تنها با استفاده از روشهای تعهدی حسابداری استهلاک، معافیتهای مالیاتی سرمایهگذاریها و به حسابدارایی بردن بهره، افزایش داد[۲].

رویکردهای مختلف به مدیریت سود

در مدیریت سود دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول از مطالعات دانشگاهی ناشی میشود، بیان میدارد که مدیریت سود مفید بوده و بهطور بالقوه میتواند محتوای اطلاعاتی سود را افزایش دهد [۲۴]. طرفداران این دیدگاه عقیده دارند که مدیران با استفاده از اختیاراتی که در قوانین و استانداردهای حسابداری در قالب مدیریت سالم به آنها داده شده، قادرند تا توانایی سود را برای انعکاس هرچه بهتر قدرت سودآوری و ارزش واقعی شرکت، بهبود بخشند. در مقابل، عدهای از پژوهشگران عقیده دارند که این اختیارات، فرصتی را برای مدیران ایجاد میکند تا سود را برای فریب سرمایهگذاران دستکاری نمایند. برهمیناساس میتوان انگیزهی مدیران از مدیریت سود را به دو طبقهی مجزا و متضاد تقسیم نمود:

[1] Arthur Levitt

۱- مدیریت سود کارا: که هدف از آن افزایش کیفیت تهیهی اطلاعات برای کمک به استفادهکنندگان برای درک بهتر قدرت سودآوری و وضعیت مالی شرکت است.
۲- مدیریت سود فرصتطلبانه: که مدیران این اعمال را فقط برای حداکثرسازی منافع خود و نه سرمایهگذاران ، انجام میدهند]۱[.

فرضیه مدیریت سود، در ابتدا با عنوان هموارسازی سود توسط هپورث[۲] (۱۹۵۳) ارائه و بعداً توسط گوردن[۳] (۱۹۶۴) معرفی شد. برای اولینبار توسط مکنیچلسون[۴] (۱۹۸۸) عبارت " مدیریت سود" جایگزین عبارت "هموارسازی سود" شد. از این جهت ، مدیریت سود در کانون توجه قرار گرفت؛ برایناساس که میتواند در تهیه خلاصهای از عملکرد شرکت اعمال نفوذ کند و نتایج موردنظر خود را منعکس کند]۴[. اسکیپرز[۵] (۱۹۸۹)، مفهوم مدیریت سود را به این صورت تعریف میکند: «مداخلهٔ عمدی در فرایند گزارشگری مالی برای به دست آوردن سطح موردانتظار سود» ؛ یعنی با توجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت ، ممکن است سود افزایش و یا کاهش یابد یا هموار شود.

شاخص های سلامت مالی

شاخص های سلامت مالی شاخص هایی هستند که سلامت و استحکام نهاد ها و بازارهای مالی را نشان می دهند. ارزیابی نقاط قوت و آسیب پذیری بخش مالی به ویژه در مقیاس کلان هدف اصلی طراحی شاخص های پیش گفته است. مجموعه اصلی شاخص های مزبور برای موسسات سپرده پذیر عبارتند از : (۱) نسبت کفایت سرمایه، (۲) کیفیت دارایی ها (از حیث سهم مطالبات غیر گردشی، توزیع بخشی اعتبارات و نسبت exposure ها به سرمایه)، (۳) درآمد زایی و سود آور بودن موسسات، (۴)نسبت دارایی های نقد به بدهی های کوتاه مدت، و بالاخره (۵) حساسیت موسسه به ریسک بازار، از حیث عدم تطابق سر رسید دارایی ها و بدهی ها و نیز موقعیت باز ارزی. شاخص های سلامت مالی به طور خاص در برنامه جامع ارزیابی بخش مالی مورد استفاده قرار می گیرند. هرچند شاخص های سلامت مالی عمدتا برای پیش بینی بحران های مالی طراحی شده اند، در یک چارچوب وسیع تر برای ارزیابی آسیب پذیری های اقتصاد کلان نیز مورد استفاده قرار می گیرند.

اقلام تعهدی

سود حسابداری، بر اساس مبنای تعهدی شناسایی می شود. به طور معمول، استفاده از مبنای تعهدی موجب متفاوت شدن میزان سود عملیاتی گزارش شده با خالص جریان های نقدی حاصل از عملیات و گزارش یک سری اقلام تعهدی در صورت های مالی می شود. قسمتی از سود حسابداری، نقدی است. یعنی وجه نقد حاصل از عملیات شرکت در داخل این سود قرار دارد و قسمتی از آن را اقلام تعهدی (تفاوت بین سود و جریان های نقدی) تشکیل می دهند. بخش تعهدی سود، به مراتب از بخش نقدی آن دارای اهمیت بیشتری در ارزیابی عملکرد شرکت است]۷[.

---

[۲] Hopwotth
[۳] Gordon
[۴] Michelson
[۵] Schipper

اقلام تعهدی به دو دسته تقسیم می شوند؛ آن دسته از اقلام تعهدی را که درمدل تجاری شرکت ها و محیط عملیاتی آن ها به وجود می آید و مدیریت واحد تجاری در پیدایش آن ها دخالتی نداشته است و در حین انجام فعالیت های تجاری ایجاد شده باشند را اقلام تعهدی غیر اختیاری می نامیم. دسته ای دیگر از اقلام تعهدی که به خاطر انتخاب روش های حسابداری، تخصیص های اختیاری، تصمیم های مدیریتی و قضاوت ها و برآوردها بوجود می آیند؛ اختیاری نامیده می شود. مدیران به دلایلی مانند بهتر نشان دادن وضعیت مالی با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، سود را مدیریت می کنند. اقلام به طور نسبی از دستکاری شدن توسط مدیریت در امان هستند. لیکن اقلام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت هستند]۷[.

اقلام تعهدی را می توان به دو قسمت اقلام تعهدی جاری (کوتاه مدت) و اقلام تعهدی غیر جاری (بلند مدت) نیز تفکیک نمود. اقلام تعهدی جاری قسمتی از اقلام تعهدی هستند که بر حساب های سرمایه در گردش تاثیر می گذارند و تغییرات در دارایی های جاری و بدهی های جاری را منعکس می نمایند.اقلام تعهدی غیر جاری شامل استهلاک، تجدید ارزیابی دارایی ها و تعدیلات بر اساس ارزش منصفانه اوراق (اسناد) مالی است. محتوای اطلاعاتی این اجزای اقلام تعهدی در ادبیات حسابداری، اثبات شده است. اقلام تعهدی جاری، در مقایسه با اقلام تعهدی غیر جاری، دارای ارزش بیشتری هستند]۷[.

حاکمیت شرکتی

مفهوم حاکمیت شرکتی ناظر بر مفهوم حاکمیتی است که بر یک شرکت سهامی عام اعمال می شود و مطابق با آن چگونگی پاسخگویی شرکت به سهامداران و همچنین سایر ذینفع های سازمانی آن شکل می گیرد. بدین سبب، از نظر کارکرد شرکت ها و همچنین کل جامعه حائز اهمیت شمرده شده و در سالیان اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است]۲۰[. صندوق بین المللی پول[۶] و سازمان توسعه برای همکاری های اقتصادی (۲۰۰۱) حاکمیت شرکتی را ساختار روابط مابین گروه های اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره و مدیران و مسئولیت های مترتب بر آن می داند. از نظر این سازمان ها چنین ساختاری زمینه عملکرد رقابت آمیزی را جهت دست یافتن به هدف های اولیه شرکت و تنظیم معیارها و سازو کارهای نظارت و کنترل، فراهم می آورد.

از دیدگاه شلیفر و ویشنی[۷](۱۹۹۷)، سازو کارهای حاکمیت شرکتی، راهکارهایی برای تضمین این مطلب است که علی رغم وجود رابطه نمایندگی بین مالک و مدیر و تضاد منافع بین آن ها، مدیریت در پی حداکثر نمودن ثروت سهامداران از طریق تقویت و بهبود عملکرد مالی شرکت است. سازو کارهای داخلی حاکمیت شرکتی در یک شرکت، شامل انواع گوناگون توافقات سازمانی و رویه های مورد استفاده توسط شرکت ها در جهت توازن قدرت و مسئولیت بین سهامداران، اعضای هیات مدیره، مدیران اجرایی و کارکنان شرکت است]۸، ۱۲[.که در این بین، ساختار مالکیت، ساختار هیات مدیره، اندازه هیات مدیره، وجود مدیران غیر موظف در بین اعضای هیات مدیره، در خصوصیات کمیته حسابرسی و یکسانی مدیر عامل و رئیس هیات مدیره از مهم ترین عوامل تعیین کننده و اثر گذار در بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی به حساب می آیند]۹، ۱۷[. ضعف در ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در یک شرکت، با کیفیت گزارش گری مالی پایین صورت های مالی، دستکاری و تقلب در سود و در آمد و همچنین سطح پایین و ضعیف شفافیت اطلاعاتی در ارتباط است]۱۲[. ابهام و عدم شفافیتی که در اطلاعات مالی منتشر

[۶] International Monetary Fund
[۷]2- Shleifer & Vishny

شده توسط این شرکت ها وجود دارد، به علت ضعف سازو کارهای حاکمیت شرکتی در این شرکت ها ایجاد شده و به سهامداران کنترل کننده این امکان را می دهد که منافع خود در شرکت را حفظ کرده و با هزینه سایر سهامداران برای خود ایجاد ثروت نماید.

حساس یگانه (۱۳۸۴) معتقد است که حاکمیت شرکتی سازو کارهای مختلف سازمانی و نهادی است که برای هدایت و کنترل شرکت های سهامی و مدیریت آن ها، هم به صورت درون سازمانی و هم به صورت برون سازمانی وجود دارد. چنین کنترل هایی در سطح گوناگون بوده و شامل حسابرسی داخلی و مستقل، استفاده از کمیته های حسابرسی، انتخاب و نقش مدیران غیر موظف، حق رای سهامداران و مشارکت سهامداران نهادی در امور شرکت است.

نظام حاکمیت شرکتی به عنوان یک نظام مرتبط کننده چند شاخه علمی از قبیل حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد و حقوق و با حفظ تعادل بین اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی، موجب تشویق و تقویت استفاده کارآمد و بهینه از منابع و الزام پاسخگویی شرکت ها در مقابل سایر اشخاص ذینفع در شرکت می گردد. از سوی دیگر اجرای نظام حاکمیت شرکتی می تواند موجب تخصیص بهینه منابع و بهبود شفافیت اطلاعات مالی منتشر شده در بازار و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی شود]۵[.

طبقه بندی های نظام حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی را می توان به دو دسته درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم کرد:

حاکمیت شرکتی درون سازمانی:

راهبری شرکتی درون سازمانی، سیستمی است که در آن شرکت های فهرست بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک های اعتبار دهنده، شرکت های دیگر یا دولت باشند. به سیستم های درون سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکت ها و سهامداران عمده آن ها، سیستم های رابطه ای نیز می گویند. مکانیزم های درون سازمانی عبارتند از:

هیئت مدیره: انتخاب و استقرار هیات مدیره توانمند و خوشنام

مدیریت اجرایی: تقسیم فعالیت ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم افزارهای مناسب

مدیریت غیر اجرایی: ایجاد کمیته های هیات مدیره از مدیران مستقل و غیر اجرایی (شامل کمیته حسابرسی، حقوق و ...).

کنترل های داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترل های داخلی مناسب (مالی، حقوقی، مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی و ..).

اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین رفتارهای حرفه ای و اخلاق سازمانی

حاکمیت شرکتی برون سازمانی

شرکت های بزرگ توسط مدیران کنترل می شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می شود که توسط برل و مینز[۸](۱۹۳۲) مطرح

[8] Berle and Means

شد. همان طور که بعد ها جنسن و مک لینگ[۹] (۱۹۷۶) در نظریه نمایندگی مطرح کرده اند، مشکل نمایندگی مرتبط با هزینه های سنگین است که به سهامدار و مدیر تحمیل می شود. اگر چه در سیستم های برون سازمانی، شرکت ها مستقیما توسط مدیر کنترل می شوند، اما به طور غیر مستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند.

مکانیزم های برون سازمانی عبارتند از:

نظارت قانونی: تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب

دارایی بازار سرمایه: گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن

نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت هایی از قبیل خرید سهام کنترلی

نقش سرمایه گذاری نهادی: تشویق و گسترش سرمایه گذاری نهادی

نظارت سهامداران اقلیت: احترام به سهامداران اقلیت و مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت های شرکت

الزامی کردن حسابرسی مستقل

فعالیت موسسات رتبه بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالبت موسسات

پیشینه پژوهش

جبارزاده کنگرلوئی و همکاران (۱۳۸۸) ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت های عضو بورس تهران را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که مدیران واحدهای تجاری در مراحل مختلف درماندگی مالی، برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی وعملکرد شرکت خود، اقدام به هموارسازی سود می کنند.

آقایی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان بررسی تأثیر مدیریت سود، اندازه شرکت و نسبت‌های سودآوری بر ساختار سرمایه، ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری، بازده دارایی‌ها، بازده سرمایه و اندازه شرکت را با نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ بررسی نمودند. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از این بود که اقلام تعهدی اختیاری رابطه معناداری با نسبت بدهی دارد. همچنین بین اندازه شرکت و ساختار سرمایه رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد، ولی رابطه بین بازده دارایی‌ها و ساختار سرمایه تأیید نگردید و درنهایت بین بازده سرمایه و ساختار سرمایه رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

رهنمای رودپشتی و نبوی(۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود به این نتیجه رسید که هر چقدر تمرکز مالکیت و استقلال هیئت مدیره بیشتر باشد،مدیریت سود کاهش یافته ورابطه مثبت معنی داری بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل ومدیریت سود وجود دارد.

یعقوب نژاد و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که متغیرهایی همچون نسبت بدهی، اندازه ی شرکت، تغییر مدیریت، بازده دارایی ها و شاخص مدیریت سود سال قبل با شاخص مدیریت سود سال جاری رابطه ی مستقیم دارند. از سوی دیگر بعضی متغیرها مثل مالیات، نوع مالکیت، نوع حسابرس، تغییر حسابرس و نوع صنعت اثری بر مدیریت سود ندارند.

گرد و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه ی بین سازوکارهای راهبری شرکت ها و کیفیت سود پرداختند و نتایج تحقیق نشان دادند که رابطه ی بین کیفیت سود و دو عامل سهامداران نهادی و نسبت مدیران غیرموظف وجود ندارد و رابط هی بسیار ضعیف و منفی بین کیفیت سود و عامل جدایی رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل وجود دارد.

[۹] Jensen and Meckling

دستگیر و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله ای به بررسی کیفیت سود در شرکت های درمانده مالی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر این است که شرکت های درمانده مالی سودهای خود را در سه سال قبل از ورشکستگی به شکل افزایشی مدیریت می کنند.

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی چهار ویژگی کیفی سود شامل کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش بینی سود، هموار بودن سود با مدیریت سود، دریافتند با افزایش میزان اقلام تعهدی اختیاری، از مقادیر مطلوب ویژگی کیفی سود کاسته می شود. همچنین افزایش در مقادیر اقلام تعهدی اختیاری با کاهش در امتیاز کیفیت سود شرکت ها در ارتباط است. این نتایج از نظریه فرصت طلبانه بودن مدیریت سود حمایت کرده، نشان می دهد که مدیریت سود بر محتوای اطلاعاتی حسابداری خدشه وارد می کند.

آرین تبار و اشعه (۱۳۹۱) به بررسی رابطه سازو کارهای حاکمیت شرکت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج بدست آمده نشان داده که رابطه معنادار بین «درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره» و «مالکیت سرمایه گذران نهادی» با عملکرد شرکت وجود دارد؛ از طرفی نتایج پژوهش با فرض وجود رابطه بین «جدایی مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره» و عملکرد شرکت، مطابقت ندارد.

مهرانی و زارع زادگان (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود و جریا ن های نقد عملیاتی آتی رابطه ی معناداری با هم داشته و این رابطه تحت تأثیر شرایط مالی شر کت ها قرار می گیرد.

کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی ویژگی های کیفی سود و نوع مدیریت سود در شرکت های درمانده مالی و ورشکسته پرداختند. نتایج آن ها حاکی از آن است که مدیریت سود در هر سه گروه شرکت های ورشکسته، درمانده و سالم بیشتر به فرصت طلبانه بودن گرایش دارد. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود در شرکت های سالم، بالاتر از شرکت های درمانده و ورشکسته است.

ثقفی، جوان، تیموری (۱۳۹۳) رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی و دستکاری اقلام تعهدی اختیاری را در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نمود. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و دستکاری اقلام تعهدی اختیاری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. بدین معنی که با افزایش مکانیزم های حاکمیت شرکتی میزان اقلام تعهدی اختیاری کاهش می یابد.

خرم (۱۳۹۳) تاثیر کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود در شرکتهای با سهام گران قیمت را بررسی نمود. بین معیارهای اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و متغیر تعاملی تخصص در صنعت و دوره تصدی حسابرس با متغیر های کیفی سود رابطه ای مثبت مشاهده شد و بین متغیرهای دوره تصدی حسابرس و سهام گران قیمت با متغیر های کیفی سود به طور کلی رابطه ای منفی و اکثراً غیر معنادار مشاهده شد که نشان دهنده اثر معکوس آنها بر کیفیت سود می باشد. همچنین در تمام فرضیات، سهام گران قیمت باعث کاهش یا معکوس شدن اثر متغیرهای کیفی حسابرسی بر متغیرهای کیفی سود می شود.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای به اثر تعدیل کننده عدم اطمینان محیطی بر رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود در شرکت های مورد مطالعه با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبت معناداری دارد. همچنین در یک محیط با عدم اطمینان بالا، شدت ارتباط مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می یابد. به بیان دیگر، با افزایش عدم اطمینان محیطی، مدیریت با اعمال بیشتر مدیریت سود عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می دهد.

سایرگر و اتاما (۲۰۰۸) در تحقیقی تاثیر حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های اندونزیایی راmورد بررسی قرار دادند و متوجه شدند که هیچ گونه رابطه معناداری بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود وجود ندارد.

فینگ لی و همکاران (۲۰۱۱)، به بررسی مدیریت سود و تاثیر کیفیت سود بر سطح درماندگی و ورشکستگی شرکت های چینی پرداختند. یافته های آنها نشان داد نوع مدیریت سود شرکت های ورشکسته، فرصت طلبانه است و مدیریت سود شرکت های سالم، بیشتر از شرکت های درمانده مالی، به کارایی گرایش دارد. همچنین دریافتند مدیریت سود بهتر از کیفیت سود، سودآوری آتی را پیش بینی می کند و کیفیت سود در شرکت های سالم بالا است و در شرکت های ورشکسته در سطح پایینی قرار دارد.

کوکی و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکت بر مدیریت سود پرداخته و به این نتیجه رسیدند که وجود کمیته های حسابرسی مستقل و عدم وجود دوگانگی وظیفه مدیر عامل باعث جلوگیری از مدیریت سود شده و همچنین تعداد اعضای هیات مدیره نه خیلی بیشتر بوده و نه خیلی کمتر باشد، چرا که تعداد اعضای هیات مدیره در حد متوسط (تعداد ۱۰ نفر) می تواند بهینه باشد.

نوراشکتین و سیناندورا (۲۰۱۲) به بررسی رابطه ی بین میزان تمرکز مالکیت و کیفیت سود در شرکت های مالزیایی بر پایه ی سه شاخص کیفیت سود پرداختند و نتیجه بررسی آن ها با استفاده از دو شاخص اصلی کیفیت سود فرضیه آن ها در خصوص ارتباط بین کیفیت سود و تمرکز مالکیت را تایید کرد.

سان و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود شرکت های آمریکایی را مورد بررسی قرار دادند. یافته ها نشان داد که نظارت و کنترل بیش از حد اعضای کمیته حسابرسی ارتباط مثبتی با مدیریت واقعی سود دارد.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی اول

بین اقلام تعهدی اختیاری شرکت ها با سلامت مالی آن ها و کیفیت راهبری شرکتی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی فرضیه اصلی اول

-بین اقلام تعهدی با سلامت مالی شرکت رابطه معنادار وجود دارد.

-بین اقلام تعهدی با کیفیت راهبری شرکت رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم

بین طبقه بندی های مالی شرکت ها با اقلام تعهدی و کیفیت راهبری شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی فرضیه اصلی دوم

-بین طبقه بندی مالی شرکت ها با اقلام تعهدی رابطه معنادار وجود دارد.

-بین طبقه بندی مالی شرکت ها با کیفیت راهبری شرکت رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه اصلی سوم

بین کیفیت راهبری شرکت با سلامت مالی و اقلام تعهدی رابطه معنی داری وجود دارد.

-بین کیفیت راهبری شرکت با اقلام تعهدی رابطه معنی داری وجود دارد.

-بین کیفیت راهبری شرکت با سلامت مالی شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه های فرعی فرضیه اصلی سوم

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. این تحقیق از نظر هدف -کاربردی است، زیرا به بررسی روابط متغیرها در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. داده های پژوهش از ۱۰۸ کارگزاری فعال بورس و اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. روش نمونه گیری در این تحقیق حذفی سیستماتیک است. برای مفاهیم نظری، مرور نتایج تحقیقات پیشین در زمینه موضوعات اقلام تعهدی اختیاری و حاکمیت شرکتی و نیز معرفی مدل های آماری مورد استفاده در این زمینه، از اطلاعات مندرج در اسناد و مدارک در دسترس شامل کتاب ها، مقاله ها، پایان نامه های مرتبط با موضوع و اینترنت استفاده شده است. داده های موردنیاز برای محاسبه متغیرهای مرتبط با استفاده از نرم افرار ره آورد نوین و کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار تهران استخراج گردیده است. در مرحله جمع آوری و طبقه بندی و پردازش اولیه داده ها از نرم افزار Excel استفاده شده است. در این مرحله داده های مرتبط با تحقیق که از صورت های مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نرم افزار اطلاع رسانی و معاملاتی بورس استخراج گردیده، مستقیماً وارد اکسل شده است. پس از انجام طبقه بندی های مناسب بر روی داده ها و انجام محاسبات و پردازش اولیه، اطلاعات خروجی با استفاده از نرم افزار Eviews ۷ برای اجرای مدل و آزمون فرضیات مورد استفاده قرار گرفته است.

مدل آماری پژوهش

مدل مربوط به فرضیه اول:

$$PADCA=\beta0+\beta1Altman_Z+\beta2GINDEX+\beta3HEALTH+\beta4Altman_Z*HEALTH+\beta5DISTRESS+\beta6Altman_Z*DISTRESS+\beta7\,LEVERAGE+\beta8SIZE+\beta9ROA+\beta10CF+\varepsilon$$

که در آن:

PADCA : نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری است.

Altman_Z : نشان دهنده سلامت مالی شرکت است و با مدل آلتمن اندازه گیری می شود.

GINDEX : یک شاخص راهبری شرکتی است که توسط گامپرس و همکارانش[۱۰] (۲۰۰۳) بوجود آمده است که این شاخص از ترکیب چهار مکانیزم اندازه هیات مدیره، نسبت اعضای غیر موظف، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و اندازه حسابرس می باشد. در نهایت هریک از موارد فوق در شرکت های عضو نمونه رتبه بندی شده و مجموع رتبه های آن ها بعنوان شاخص کیفیت راهبری شرکت در نظر گرفته می شود.

HEALTH : یک متغیر شاخص که نشان دهنده سلامت شرکت است و اگر نمره ی Z از رقم ۲/۶فراتر رود ارزش یک را می گیرد و در غیر این صورت صفر می باشد.

DISTRESS : یک متغیر شاخص که نشان دهنده اضطرار و التهاب است و اگر نمره Z از رقم ۱/۸۱ کمتر باشد ارزش یک را می گیرد و در غیر این صورت صفر می گیرد.

LEVERAGE: نسبت بدهی به دارایی است.

SIZE: لگاریتم طبیعی دارایی های کل می باشد.

ROA: نشان دهنده بازده دارایی هاست که از نسبت سود خالص به دارایی کل بدست می آید.

---

[۱۰] Gompers et al

CFO: از نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی ها بدست می آید.

مدل مربوط به فرضیه دوم:

Altman_Z=β0+β1PADCA+β2GINDEX+β3SIZE+β4ROA+β5CFO+β6EPS+β7MB+β8PP&E+β9INTANGIBLE +ε

که در آن:

Altman_Z: نشان دهنده سلامت مالی شرکت است و با مدل آلتمن اندازه گیری می شود.

PADCA: نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری است.

GINDEX : یک شاخص راهبری شرکتی است که توسط گامپرس و همکارانش[۱۱] (۲۰۰۳) بوجود آمده است. که این شاخص از ترکیب چهار مکانیزم اندازه هیات مدیره، نسبت اعضای غیر موظف، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و اندازه حسابرس می باشد. در نهایت هریک از موارد فوق در شرکت های عضو نمونه رتبه بندی شده و مجموع رتبه های آن ها بعنوان شاخص کیفیت راهبری شرکت در نظر گرفته می شود.

SIZE: لگاریتم طبیعی دارایی های کل می باشد.

ROA: نشان دهنده بازده دارایی هاست که از نسبت سود خالص به دارایی کل بدست می آید.

CFO: از نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی ها بدست می آید.

EPS: سود خالص هر سهم است.

MB: نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری است که با استفاده از ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می شود.

PP & E: نسبت اموال ماشین آلات به کل دارایی

INTANGIBLE: نسبت دارایی های غیر مشهود به کل دارایی هاست.

مدل مربوط به فرضیه سوم:

GINDEX=β0+β1Altman_Z+β2PADCA+β3Size + β4PPE+β5DIVIDEND+ε

که در آن:

GINDEX: یک شاخص راهبری شرکتی است که توسط گامپرس و همکارانش[۱۲] (۲۰۰۳) بوجود آمده است. که این شاخص از ترکیب چهار مکانیزم اندازه هیات مدیره، نسبت اعضای غیر موظف، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و اندازه حسابرس می باشد. در نهایت هریک از موارد فوق در شرکت های عضو نمونه رتبه بندی شده و مجموع رتبه های آن ها بعنوان شاخص کیفیت راهبری شرکت در نظر گرفته می شود.

Altman_Z: نشان دهنده سلامت مالی شرکت است و با مدل آلتمن اندازه گیری می شود.

PADCA: نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری است.

Size: لگاریتم طبیعی دارایی های کل می باشد.

DIVIDEND: نسبت سود توزیع شده به کل دارایی هاست.

یافته های پژوهش

---

[۱۱] Gompers et al

[۱۲] Gompers

آمار توصیفی داده های تحقیق

در این قسمت برای ورود به مرحلهٔ تجزیه وتحلیل اطلاعات، آماره توصیفی داده ها شامل شاخص های مرکزی، پراکندگی و انحراف از قرینگی و همچنین آزمون جارک – برا که توزیع نرمال پسماندها را بررسی می کند محاسبه گردیده است و نتایج در جدول زیر درج شده است. شایان ذکر است از آن جا که احتمال آماره جارک- برا در جدول زیر برای تمام متغیرها کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد لذا هیچ یک از متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال برخوردار نمی باشد.

جدول ۲: آمار توصیفی داده های متغیر

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحرافمعیار	چولگی	کشیدگی	جارک برا	
								آماره	احتمال
PADCA (اقلام تعهدی اختیاری)	12/0	09/0	11/1	00/0	12/0	57/2	58/13	04/4649	00/0
Altman_Z (سلامت مالی)	89/0	79/0	53/8	02/0	63/0	21/5	22/53	89/88259	00/0
Gindex (کیفیت راهبری شرکتی)	91/0	80/0	98/2	00/0	64/0	79/0	19/3	87/86	00/0
Health (سلامت)	01/0	00/0	00/1	00/0	12/0	00/8	09/65	9/13794	00/0
Altman_Z*Health	04/0	00/0	95/7	00/0	42/0	48/11	09/168	4/931960	00/0
Distress (اضطرار و التهاب)	94/0	00/1	00/1	00/0	23/0	76/3-	18/15	66/6887	00/0
Altman_Z*Distress	75/0	74/0	53/8	00/0	47/0	57/5	19/92	7/271026	00/0
Lev (اهرم مالی)	57/0	59/0	99/0	01/0	20/0	26/0-	66/2	49/13	00/0
Size (اندازه شرکت)	90/13	73/13	00/19	80/9	51/1	66/0	81/3	03/82	00/0
ROA (بازده دارایی)	13/0	11/0	84/2	58/0-	17/0	62/4	23/69	6/15000	00/0
CFO (نسبت جریان نقد)	12/0	10/0	87/0	33/0-	13/0	61/0	92/4	47/175	00/0
EPS (نسبت سود هر سهم)	001/0	00/0	03/0	02/0-	003/0	56/0-	19/32	03/28636	00/0
MB (ارزش بازار به ارزش دفتری)	06/11	98/1	97/5422	77/120-	15/197	15/26	95/709	16855349	00/0
PP&E (اموال ماشین آلات)	28/0	23/0	46/1	00/0	21/0	19/1	66/4	09/285	00/0
Intangible (دارایی نامشهود)	006/0	001/0	09/0	00/0	01/0	42/3	33/17	35/8462	00/0
Dividend (سود توزیع شده)	31/0	18/0	99/65	0002/0	32/2	92/27	00/788	20774359	00/0

ضریب چولگی در رابطه با متغیرهای اضطرار و التهاب، اهرم مالی و نسبت سود هر سهم منفی می باشد که حاکی از وجود چوله به چپ و تمایل این متغیر به مقادیر بزرگتر است همچنین منفی بودن ضرایب کشیدگی، حکایت از این مطلب دارد که از توزیع نرمال کوتاهتر بوده است. وضریب چولگی در مورد سایر متغیرهای تحقیق مثبت می باشد که حاکی از وجود چوله به راست و تمایل این متغیرها به مقادیر کوچکتر است.

نتیجه آزمون فرضیه اول

جدول ۳: آزمون فرضیه تحقیق

Model:
PADCA=$\beta_0+\beta_1$Altman_Z+β_2GINDEX+β_3HEALTH+β_4Altman_Z*HEALTH+β_5DISTRESS+β_6Altman_Z*DISTRESS +β_7 LEVERAGE+β_8SIZE+ +β_9 ROA+β_{10}CFO+ε
Method : Panel EGLS (Cross – Section Weights)
Liner estimation after – one – step Weighting matrix

متغیر	ضریب متغیر	انحراف معیار	آماره t	معنیداری P-Value
C (مقدار ثابت)	15/0	05/0	97/2	00/0
Altman_Z (سلامت مالی)	009/0-	009/0	99/2-	01/0
Gindex (کیفیت راهبری شرکتی)	01/0-	007/0	41/1-	15/0
Health (سلامت)	01/1	35/2E-05	43/3	00/0
Altman_Z*Health	03/0-	02/0	32/2-	00/0
(اضطرار و التهاب)Distress	75/0-	55/1	48/2-	02/0
Altman_Z*Distress	0001/0	001/0	08/3	03/0
Lev (اهرم مالی)	004/0	03/0	14/2	04/0
Size (اندازه شرکت)	001/0-	003/0	45/2-	00/0
ROA (بازده دارایی)	07/0	04/0	99/1	04/0
CFO (نسبت جریان نقد)	07/0-	03/0	96/1-	04/0
آماره F	۲۴/۱۴	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۱
احتمال آماره F	۰/۰۰	آماره دوربین واتسون	84/1	

همانطور که در جدول مشاهده می شود مقدار آماره F در سطح خطای ۵ درصد و میزان اطمینان ۹۵ درصد معناداری کل مدل رگرسیون برازش شده و فرض خطی بودن مدل آن پذیرفته میشود. نتایج حاصل از مدل فرضیه اول تحقیق ، حاکی از این است که با توجه به اینکه سطح معنی داری متغیر مستقل آلتمن کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت بین اقلام تعهدی اختیاری و سلامت مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد و همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرهای تعامل Altman_Z*Health و Altman_Z*Distress کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت که اقلام تعهدی با وضعیت سلامت مالی شرکت در حالت سالم بودن و التهاب رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین بنابراین فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی اول تحقیق پذیرفته خواهد شد. همچنین با

توجه به سطح معنی داری کیفیت راهبری شرکتی که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت که کیفیت راهبری شرکتی با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار ندارد.

بنابراین فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی اول پذیرفته نخواهد شد. با توجه به ۲R مدل برازش شده میتوان ادعا کرد در مجموع متغیر استفاده شده در مدل توانسته است ۵۱ درصد تغییرات متغیر وابسته اقلام تعهدی اختیاری را توضیح دهند. مقدار دوربین واتسون با عدد ۱/۸۴ عدم همبستگی بین خطاها را نشان می دهد

نتیجه فرضیه اصلی دوم

جدول ۴: آزمون فرضیه اصلی دوم

Model: Altman_Z=$\beta_0+\beta_1$PADCA+β_2GINDEX+β_3SIZE+β_4ROA+β_5CFO+β_6EPS+β_7MB++β_9PP&E+β_{10}INTANGIBLE +ε Method : Panel EGLS (Cross – Section Weights) Liner estimation after – one – step Weighting matrix				
متغیر	ضریب متغیر	انحراف معیار	آماره t	معنیداری P-Value
C (مقدار ثابت)	20/2	17/0	34/12	00/0
PADCA (اقلام تعهدی اختیاری)	06/0-	03/0	77/1-	07/0
Gindex (کیفیت راهبری شرکتی)	03/0	01/0	27/2	02/0
Size (اندازه شرکت)	11/0-	01/0	88/8-	00/0
ROA (بازده دارایی)	09/2	06/0	52/32	00/0
CFO (نسبت جریان نقد)	24/0	05/0	66/4	00/0
EPS (نسبت سود هر سهم)	51/21-	60/3	97/5-	00/0
Intangible (دارایی نامشهود)	54/2-	86/0	94/2-	00/0
آماره F	۴۵/۷۶	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۰
احتمال آماره F	۰/۰۰	آماره دوربین واتسون	76/1	

همانطور که در جدول مشاهده می شود مقدار آماره F در سطح خطای ۵ درصد و میزان اطمینان ۹۵ درصد معناداری کل مدل رگرسیون برازش شده و فرض خطی بودن مدل آن پذیرفته میشود. نتایج حاصل از مدل فرضیه دوم تحقیق ، حاکی از این است که با توجه به اینکه سطح معنی داری متغیر مستقل اقلام تعهدی اختیاری بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت بین طبقه بندی مالی شرکت ها با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار وجود ندارد. بنابراین فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی دوم تحقیق پذیرفته نخواهد شد. همچنین با توجه به سطح معنی داری کیفیت راهبری شرکتی که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت که بین طبقه بندی مالی شرکت ها با کیفیت راهبری شرکت رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی اول پذیرفته خواهد شد. با توجه به ۲R مدل برازش شده می توان ادعا کرد در مجموع متغیر استفاده شده در مدل توانسته است ۶۰درصد تغییرات متغیر وابسته طبقه بندی مالی شرکت را توضیح دهند. مقدار دوربین واتسون با عدد ۱/۷۶ عدم همبستگی بین خطاها را نشان می دهد.

نتیجه فرضیه اصلی سوم

جدول ۵: آزمون فرضیه اصلی سوم

Model: GINDEX=β_0+β_1Altman_Z+β_2PADCA+β_3Size + β_4PPE+β_6DIVIDEND+ε Method : Panel EGLS (Cross – Section Weights) Liner estimation after – one – step Weighting matrix				
متغیر	ضریب متغیر	انحراف معیار	آماره t	معنیداری P-Value
C (مقدار ثابت)	89/0	05/0	84/16	00/0
Altman_Z (سلامت مالی)	02/0	02/0	90/2	01/0
PADCA (اقلام تعهدی اختیاری)	09/0	10/0	90/0	36/0
Dividend (سود توزیع شده)	11/2-	03/2	03/3-	03/0
آماره F	۱۸/۸۹	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۲
احتمال آماره F	۰/۰۰	آماره دوربین واتسون		86/1

لازم به توضیح است همانطور که در جدول مشاهده می شود مقدار آماره F در سطح خطای ۵ درصد و میزان اطمینان ۹۵ درصد معناداری کل مدل رگرسیون برازش شده و فرض خطی بودن مدل آن پذیرفته می شود. نتایج حاصل از مدل فرضیه سوم تحقیق ، حاکی از این است که با توجه به اینکه سطح معنی داری متغیر مستقل سلامت مالی شرکت کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت بین کیفیت راهبری شرکت با سلامت مالی رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی سوم تحقیق پذیرفته خواهد شد. همچنین با توجه به سطح معنی داری اقلام تعهدی اختیاری که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد می توان گفت که بین کیفیت راهبری شرکت با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار وجود ندارد. بنابراین فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی سوم پذیرفته نخواهد شد. با توجه به ۲R مدل برازش شده می توان ادعا کرد در مجموع متغیر استفاده شده در مدل توانسته است ۴۲درصد تغییرات متغیر وابسته کیفیت راهبری شرکت را توضیح دهند. مقدار دوربین واتسون با عدد ۱/۸۶ عدم همبستگی بین خطاها را نشان میدهد.

نتیجه گیری

فرضیات تحقیق در سطح آمار استنباطی با استفاده از روش داده‌های تابلویی (پانل) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و همچنین آزمون t جهت تشخیص معناداری ضرایب رگرسیون‌ها، آزمون F جهت تشخیص معناداری کلی رگرسیون‌ها، ضریب تعیین تعدیل شده برای تشخیص میزان توان توضیح دهندگی متغیر مستقل و آزمون دوربین واتسن برای تشخیص عدم وجود خود همبستگی بین جزء خطاها انجام گرفت. همچنین بر اساس مدل های مطرح شده هر سه فرضیه مطرح شده در این پژوهش از طریق مباحث آماری دقیق مورد بررسی قرار گرفت که فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی اول، فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی دوم و فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی سوم بر اساس نتایج رگرسیونی پذیرفته شد.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی اول تحقیق با توجه به آن که P-Value بدست آمده سلامت مالی شرکت کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد حاکی از آن است که بین اقلام تعهدی اختیاری با سلامت مالی شرکت رابطه معنادار وجود دارد. میزان تاثیر گذاری این دو متغیر (۰/۰۰۹-) است که نشان می دهد در صورتی که

متغیر مستقل سلامت مالی شرکت یک درصد افزایش یابد در اثر این افزایش، متغیر وابسته ریسک اقلام تعهدی اختیاری ۰/۰۰۹ کاهش می یابد. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی اول تحقیق با توجه به آن که P-Value بدست آمده کیفیت راهبری شرکت بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد حاکی از آن است که بین اقلام تعهدی اختیاری با کیفیت راهبری شرکت رابطه معنادار وجود ندارد. با توجه به ضریب تعیین بدست آمده در فرضیه اصلی اول که ۵۱ درصد می باشد می توان این طور نتیجه گرفت که سلامت مالی و کیفیت راهبری شرکت می تواند ۵۱ درصد تغییرات اقلام تعهدی اختیاری را توجیه کند.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی دوم تحقیق با توجه به آن که P-Value بدست آمده اقلام تعهدی اختیاری شرکت بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد حاکی از آن است که بین طبقه بندی مالی شرکت با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار وجود ندارد. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی دوم تحقیق با توجه به آن که P-Value بدست آمده کیفیت راهبری شرکت کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد حاکی از آن است که بین طبقه بندی مالی شرکت با کیفیت راهبری شرکت رابطه معنادار وجود دارد. میزان تاثیر گذاری این دو متغیر (۰/۰۳) است که نشان می دهد در صورتی که متغیر مستقل کیفیت راهبری شرکت یک درصد افزایش یابد در اثر این افزایش، متغیر وابسته طبقه بندی مالی (سلامت مالی شرکت) نیز ۰/۰۳ افزایش می یابد. با توجه به ضریب تعیین بدست آمده در فرضیه اصلی دوم که ۶۰درصد می باشد می توان این طور نتیجه گرفت که اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت راهبری شرکت می تواند ۶۰ درصد تغییرات سلامت مالی شرکت را توجیه کند.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول مربوط به فرضیه اصلی سوم تحقیق با توجه به آن که P-Value بدست آمده سلامت مالی شرکت کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد حاکی از آن است که بین کیفیت راهبری شرکت با سلامت مالی رابطه معناداری وجود دارد. میزان تاثیر گذاری این دو متغیر (۰/۰۲) است که نشان می دهد در صورتی که متغیر مستقل سلامت مالی شرکت یک درصد افزایش یابد در اثر این افزایش، متغیر وابسته کیفیت راهبری شرکت نیز ۰/۰۲ افزایش می یابد. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم مربوط به فرضیه اصلی سوم تحقیق با توجه به آن که P-Value بدست آمده اقلام تعهدی اختیاری بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد حاکی از آن است که بین کیفیت راهبری شرکت با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنادار وجود ندارد. با توجه به ضریب تعیین بدست آمده در فرضیه اصلی سوم که ۴۲ درصد می باشد می توان این طور نتیجه گرفت که سلامت مالی شرکت و اقلام تعهدی اختیاری می تواند ۴۲ درصد تغییرات کیفیت نظام راهبری شرکت را توجیه کند.

تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سوءاستفاده ازآن و درنتیجه ارائه اطلاعات نادرست به سهامداران آسیب جدی به اعتماد سهامداران وارد خواهد ساخت وهزاران نفر از سهامداران را متضرر و از بازار بورس فراری خواهد داد. این امر در نهایت تبعات اقتصادی وخیمی به دنبال خواهد داشت.

بنابراین به دلیل اهمیت حفظ اعتماد سهامداران و به دنبال آن حفظ سلامت مالی، حاکمیت شرکتی به دنبال دستیابی به شیوه هایی است که براساس آن تأمین کنندگان مالی، اطمینان حاصل نمایند که از سرمایه گذاری خود درشرکت بازده مناسبی را دریافت خواهند نمود. سلامت مالی شرکت برای طلبکاران و سرمایه گذاران مهم می باشد. هم چنین آثار علمی نشان می دهد که تصمیمات سرمایه گذاری شرکت به عوامل مالی مرتبط اند. راهبردهای سرمایه گذاری شرکت ارتباط نزدیکی با اقلام تعهدی خود دارند]۱۱، ۱۹[.

در این تحقیق ما به این نتیجه دست یافتیم که با افزایش سلامت مالی شرکت، اقلام تعهدی اختیاری (مدیریت سود) کاهش می یابد. و با افزایش کیفیت راهبری شرکت، سلامت مالی شرکت افزایش می یابد و همچنین با افزایش سلامت مالی شرکت، کیفیت راهبری شرکت افزایش می یابد.

منابع

۱. احمدپور، احمد، کاشانی پور، محمد و شجاعی، محمد رضا، (۱۳۹۰). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تامین مالی از طریق بدهی، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۳۲-۱۷:۶۲
۲. اعتمادی ، حسین ؛ فرج زاده دهکری ، حسن ؛ (۱۳۹۱)؛ تاثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه کاری سود ؛ تحقیقات حسابداری و حسابرسی ؛ شماره ۱۳
۳. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴).مبانی نظری حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابدار، شماره ۱۶۹
۴. خدادادی، ولی؛ رضاجان جانی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی (۷)، بهار، صص ۹۶-۷۷.
۵. قائمی، محمد حسین. شهریاری، مهدی. (۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت ها. پیشرفت های حسابداری، دوره۱؛شماره ۱، ص ۱۱۳-۱۲۸
۶. کرمی، غلامرضا و بشرویه، بیک. (۱۳۹۰). راهبری شرکتی و ارزشیابی شرکت. مدلی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۶۴. تابستان.
۷. مصطفی زاده، محمود، ۱۳۸۷، اثر مدیریت سود بر مربوط بودن معیارهای سود و ارزش دفتری در تعیین ارزش شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور.

۸. Beasley, M., J. Carcello, D. Hermanson and P. D. Lapides. (2000). Fraudulent financial reporting, Consideration of industry traits and Corporate governance mechanisms.
۹. Berle, A. and Means.(1932)., G, The modern corporation and private property, Macmillan: New York.
۱۰. Carsello. J. And T.Neal. (2000). Audit Committee ComPosition and auditor reporting. The Accounting Review 75:456-476.
۱۱. Fairfield, P. M, J. S. Whisenant and T. L. Yohn, (2003b). The differential persistence of accruals and cash flows for future operating income versus future profitability. The Review of Accounting Studies, 8 (2-3), 221-243.
۱۲. Felo A. J. & Krishnamurthy S. & Soleris (2001). Audit Committee Characteristics and the quality of financial reporting: An empirical analysis Working Paper, Penn State university. from the “crash” of an airline. Account. Bus. Res. 40 (1), 3–38.
۱۳. Gompers, P., Ishii, J., Metrick,A., (2003). Corporate governance and equity prices. Quarterly Journal of Ecconomics 118, 107-155.
۱۴. Gordon, M. J., B. N. Horwitze, and P. T. Meyers, 1964, "Accounting Measurements and Normal Growth of the Firm", Research on Accounting Association, pp.221 -231.

۱۵. Hopwotth, S.R, (1953), “Smoothing Peridic Income”, Accounting Review, January.

۱۶. Jensen, M. & Meckling, W.(1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. Journal of Financial Economics 3: 305-360.

۱۷. Liu, G. S., and Sun, P. (2005). The Class Of Owners and its Impacts on Corporate Performance a Case of State Shareholding Composition in chinese Public Corporation Corporate governance. VOl. 13, PP. 46-71.

۱۸. Michelson stuart,E. James Jordan- Wanger and Charless Wootton. (1988). “A market based analysis of income smoothing”, Journal of Business, finance & accounting, Vol.22, No. 8.

۱۹. Ohlson,J.A.(1995). ‘Financial ratios and the probabilistic prediction of bankruptcy’. Journal of Accounting Research,19(1):109-131.

۲۰. Osman Imam, M. & M. Malik (2007). Firm Performance and Corporete Governance Through Ownership Structure: Evidence from Bangladesh Stock market. International Review of Business Research Papers, VOl 3, 88110.

۲۱. Schipper, K. (1989). "Commentary on earnings management". Accounting Horizons, 3(4), 91-102.

۲۲. Scott, William, 2000, Financial Accounting Theory, Prentice Hall, chapter 11, p.p. 343-352.

۲۳. Shleifer, A. And vishny,. R. W. (1997). A Survey of Corporate governance, Journal of Finance, 52: 737-83.

۲۴. Sloan, R. G. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? . The Accounting Review, 71(3), 289-315.

۲۵. Subramanyam, K. R. (1996). The pricing of discretionary accruals.Journal of Accounting and Economics, 22: 249-281.

The study of tripartite relationship among financial status, accruals and corporate governance quality

Mohammad Jabbari jam

Abstract

Separation of ownership from management has led to an organizational problem called the agency problem. Agency problem indicates the need for management control of the companies by shareholders. Profit manipulation factor is a common and normal method among companies, which increases agency problems from project constraints analysis by investors. Hence, this study examines the relationship between corporate finance and corporate governance quality with accrual-based earnings management. The sample included 161 companies in the Stock Exchange during the period from the beginning of 2010 to the end of 2014. For the collection, classification, and pre-processing of data, Excel software is used. Following appropriate classification of data, and after performing initial computation and processing of data, output data are used to perform model and hypothesis testing using Eviews 7 software. The results showed that there is a significant relationship between discretionary accruals and financial health of the company as well as between financial classifications of the companies with corporate governance quality. Also, there is a significant relationship between corporate governance quality and financial health. So, it should apply more control in order to reduce agency problem of managers.

Keyword :corporate governance quality, accruals, financial health